



در هواپیما که خدمت ایشان بودیم یک مقدار هواپیما با مشکل فنی روبه‌رو شده بود و زمان برده بود که پرواز کند صحبت مفصلی داشتیم راجع به امورات کشور و من جسارت کردم پرونده یک شخصیتی بود که نام نمی‌برم و من گفتم حضرت آیت الله! این پرونده ان شاء الله به دور از مسائل سیاسی بررسی خواهد شد. ایشان گفت آقای صالحی! من به خاطر این مسئله برای اینکه شائبه‌ای نباشد سه قاضی مستقل برای این پرونده گذاشتم که این پرونده خدای نکرده خارج از عدالت و انصاف بررسی نشود

برای اجرای عدالت می‌گفتند ما شاخص می‌خواهیم و با چه شاخصی بفهمیم که عدالت را اجرا کردیم؟ و می‌گفتند بعضی‌ها قانون را مثلاً شاخص قرار می‌دهند، آیا واقعا این می‌تواند شاخص کاملی باشد؟

گفتند عدالت ثبوتی را که همه قبول دارید، ما دنبال عدالت اثباتی هستیم و عدالت اثباتی در عمل و اجرا معنا پیدا می‌کند و بحث اعتدال را مطرح کردند و گفتند اگر جامعه از اعتدال خارج شود در ابعاد مختلف خودش، آن موقع جامعه به فساد می‌انجامد.

• از کنگره بین‌المللی امام‌رضاع) بیشتر بگویید.

در همین کنگره بین‌المللی امام‌رضاع)، یک کشیش لبنانی شیعه را در سه بند خلاصه کرد. ایشان یک کشیش مسیحی و خیلی متفکر واقعا برجسته‌ای است و الان در واتیکان به عنوان مشاور پاپ کار می‌کند، ایشان گفتند شیعه در سه بُعد می‌شود تعبیر شود یک بعد خبیری آن است، یکی بعد حسینی آن که بعد استشهدای است و یکی بعد رضوی آن که بعد فرهنگی است. در روایات و احادیث از امام‌رضاع) روی مسائل جامعه‌شناسی، حکمرانی، عدالت و... خیلی بحث شده است و در کنگره هم روی این موضوعات بحث شد.

من دیدم واقعا چقدر زیبا شیعه را در سه بعد خبیری، بعد حسینی و بعد رضوی مطرح کردند. الان هم ما می‌بینیم که بعد حسینی از زمانی که انقلاب ما شکل گرفت، این انقلاب که در خلأ به وجود نیامد، این انقلاب این جور نبود که شب بخوابیم و صبح بخواهیم انقلاب کنیم، انقلاب یک پیش‌زمینه‌ای داشت، از مشروطه، پانزده خرداد، امام (ره) و قبل از آن دوران حضرت آیت الله کاشانی و مصدق و... همه اینها متراکماً تجلی یافت بعد از پانزده خرداد در انقلاب ۱۳۵۷ و انقلاب ما متجلی شد. پس آن برانگیختگی از قبل بوده و باعث شد که انقلاب ما محقق شود، اما بعد از انقلاب ما دوره بالندگی را با افت و خیزها و فراز و نشیب‌ها داشتیم. حالا دیگر داریم وارد دوران فرهیختگی می‌شویم. خیلی از اتفاقات و حوادث را در این ۴۵ سال پشت سر گذاشتیم و من با مسئولین خارجی خیلی در ارتباط بودم.

زمانی که مذاکره محرمانه با آمریکا در ارتباط با موضوع هسته‌ای ایران داشتیم قبل از دوره جناب آقای دکتر روحانی و آقای ظریف و آن زمانی که من وزارت امور خارجه بودم، با اجازه مقام معظم رهبری موضوع محرمانه هسته‌ای با آمریکا در عمان داشتیم. آن موقع معاون وزارت خارجه شرکت می‌کرد، مشاور سلطان عمان، سلطان قابوس خدا رحمتش کند مشاوری داشت به نام سالم اسماعیل، این آقای مشاور پیش او با ما رفته بود یک گزارش

محرمانه بدهد و برای من تعریف می‌کرد که رئیس‌جمهور آمریکا گفت که آقای سالم اسماعیل! من از ملت ایران در حیرت و تعجبم که هر بلایی ما سرشان می‌آوریم استوار و پایدار و مقاوم به زندگی‌شان ادامه می‌دهند و راز این مسئله چیست؟ آقای سالم اسماعیل پاسخ می‌دهد شما ملت ایران را با صبرشان امتحان نکنید (مثال فرش بافتن رازد و مثال دیگری که شایسته نیست در اینجا بیان کنم)، اینها ملت صبوری هستند.

این ملتی هستند که در زمان انقلاب گفتند ربنا الله ثم استقاموا و با بانگ الله اکبر این انقلاب محقق شد. اگر ما واقعا این بانگ الله اکبر را از صمیم دل و با صداقت گفته باشیم و بی‌بندمان را با خدا حفظ کنیم قطعاً پیروزی از آن ماست و این وعده الهی قطعی است ولی به شرطی که آن ریسمان بیوند بین مخلوق و خالق همچنان پابرجا باشد.

• در مورد شهید امیرعبداللهیان و آنچه که دریافت شما از تلاش‌های ایشان در سال‌هایی مسند وزارت امور خارجه بود برای ما بگویید.

قبل از این که به وزارت خارجه بروم، با وزارت خارجه در ارتباط بودم و مسئولیت‌هایی داشتم. پنج سال در ژانرس بین‌الملل انرژی اتمی، چهار سال در سازمان کنفرانس اسلامی و یک سال در ژانرتین بودم و اینها بی‌ارتباط با وزارت خارجه نبوده است.

البته بنده علی‌رغم میل باطنی ام توفیق یافتم به وزارت خارجه بروم. من وقتی که با جناب امیرعبداللهیان آشنا شدم، ایشان مدیر عربی، آفریقایی ما بود. من اولین سفری که در آن مسئولیت داشتم به عراق بود و ایشان هم همراه ما بودند. در آنجا واقعا من به فهم عمیق و درک صحیح ایشان از منطقه پی بردم. ایشان قبلاً در عراق مسئولیت داشتند و در بحرین سفیر بودند و آشنایی خوبی با زبان عربی داشتند به گونه‌ای که با عرب‌زبان‌ها بدون مترجم می‌توانست صحبت کند. من در زمان برگشت تصمیم گرفتم ایشان را به عنوان معاون عربی، آفریقایی بگذارم و آن زمان موضوع سوریه هم پیش آمده بود و مادر سوریه احتیاج به سفیر قدری داشتیم و آقای شبیانی را به سوریه

• فرستادیم که معاون عربی، آفریقایی بود.

ایشان چند سالی با ما بودند و وقتی آقای ظریف آمدند، چون انتخاب معاونین براساس لیاقت، کاردانی و شایستگی بود، ایشان سه سالی با آقای ظریف ادامه دادند، بعد به مجلس شورای اسلامی رفتند و در آنجا به عنوان مشاور عالی رئیس مجلس بودند. آقای امیرعبداللهیان شخصیتی بود که هم خوب درس خوانده و هم خیلی معتقد و دلسوز بود.

• برای معرفی ایشان چه گزاره‌هایی در ذهن دارید؟

جناب آقای امیرعبداللهیان هم خصلت‌های انسانی فراوانی در ایشان موج می‌زد و هم خصلت‌های حرفه‌ای؛ یعنی اگر ما بخواهیم این را به دو بال برای انسانی که می‌خواهد اوج بگیرد تشبیه کنیم، می‌گوید العلم و دین توأمان نفتراق و افتراق، علم و دین مثل دو بال پرنده هستند. یک پرنده اگر بخواهد اوج بگیرد باید هر دو بال را داشته باشد و با یک بال نمی‌تواند اوج بگیرد. آقای امیرعبداللهیان هم بال دین را داشت و هم یک انسان معتقد، نجیب به تمام معنا، متواضع و عالم و مسلط به کار خودش بود.

حالا این قضیه خودش را در این دو سال نشان می‌داد و اگر سیر کارآمدی ایشان را دنبال کرده باشید می‌دیدید که ایشان روزبه‌روز بیشتر جامی افتاد و اینکه انسان تازمانی که در صحنه بین‌المللی جا بیفتد و باور دیگران را به خودش جلب کند مدتی زمان می‌برد و این شخصیت داشت به عنوان شخصیت بین‌المللی و ملی جا می‌افتاد، ولی اینکه دست تقدیر چه بوده است آن را خدا می‌داند.

• از برنامه‌هایی که ایشان که با معاونین ادوار وزارت خارجه داشتند، بگویید.

در مورد آقای امیرعبداللهیان بنده این شهادت را می‌دهم هر از چندگاهی ایشان وزرای خارجه سابق و معاونین سابق وزارت خارجه را قریب به یکصد نفر دعوت می‌کردند و آخرین بار آن حدود سه چهار هفته پیش بود که در وزارت خارجه همه را دعوت کردند و یک گزارش مفصلی از روند تحولات